داکترسیدخلیل الله هاشمیان ۲۰۱۲/۱۱/۱٤

توضیحات ضروری پیرامون تاریخچه پوهنتون کابل ومعیار های اکادمیک

پورتال افغان جرمن آنلاین مقالهٔ انتقادی مرا پیرامون مسمی کردن یک موسسهٔ اکادمیک (پوهنځی تعلیم و تربیه) پوهنتون کابل بنام (خوجه ئین ربانی) نشر و به نظریابی گذاشتند. با تقدیم تشکرات به محترمان آقایان عارف عباسی، احمدالله، قاسم باز، نیک هدایت، فاتح شریفی و دیگران، بشمول محترمه خانم داکتر لمر و محترمه خانم لمر جباری که در زمینهٔ اظهار نظر فرمودند. از آنجائیکه در نظرات دو خانم محترمه که هر دو (لمر) نام دارند، یک سلسله مسایل اکادمیک مطرح شده، اجازهمی خواهم توضیحاتی پیرامون تاریخچهٔ پوهنتون داری در افغانستان و پرنسیپ های اکادمیک بعرض برسانم :

محترمه داکتر لمر به زبان پشتو از تأسیس پوهنتون تعلیم و تربیه بدلایل آتی حمایت کرده است :

"" پوهنتون نوتأسیس تعلیم و تربیه ۲۰ پوهنځی دارد، بشمول کامپیوتر ساینس . . . - بعوض انستیتوت علوم اجتماعی نام پوهنتون تعلیم و تربیه گذاشته شد . . . - موسسهٔ دیگر علوم تخنیکی که نام آنرا پولیتخنیک گذاشته اند . . . - پوهنتون طب کابل در چوکات وزارت صحیه تأسیس شده . . . – پوهنتون های دیگری از قبیل پوهنتون امریکایی ، پوهنتون ترکی نیز تأسیس شده. . . "" پیرامون نکات فوق در سطور ذیل روشنی انداخته می شود، اما نمی دانم چرا محترمه داکتر لمر در بارهٔ مسمی شدن یک موسسهٔ اکادمیک بنام (خوجه ئین ربانی) تماس نگرفته و اظهار نظر نکرده است.

محترمه خانم لمر جباری به زبان دری نوشته است: "" مشکل است کسی از روی منطق بتواند ثابت کند که یک پوهنتون بدون فاکولتهٔ تعلیم و تربیه مثل یک پوهنتون بینی بریده است. . . - اینهم شاید زیاد منطقی نباشد که بگوئیم اگر در کابل فاکولتهٔ تعلیم و تربیه از پوهنتون جدا باشد، اجباری بوجود می آید که عین کار در ولایات دیگرهم صورت بگیرد. . . - پوهنتون ننگرهار بدون فاکولتهٔ تعلیم و تربیه و بگفتهٔ ایشان بینی بریده نبود . . . - آیا منطق این حکم را می کند که پوهنځی انجنیری جزء پوهنتون کابل باشد و مجموعهٔ فاکولته های مثل آن بنام پولیتخنیک یک پوهنتون یا انستیتوت جداگانه باشد ؟ . . . - نامگذاری پوهنتون تعلیم و تربیه که تلاش شده بنام برهان الدین ربانی مسمی گردد، تائید می کنم که واقعاً این تصمیم بی لزوم، سیاسی و بسیار غیر عادلانه است. ""

عرایض هاشمیان بدو همشیرهٔ همنام ازینقرار است : همه می دانند که (یونیورسیتی – پوهنتون – دانشگاه) در همه زبان ها و فرهنگ ها به معنی محل پخش دانش و علوم جهان شمول، بالاتر از سویهٔ مکتب، می باشد، باساس این تعریف یک شخص نیز می تواند در محل زیست خود یک پوهنتون بسازد به شرطیکه قوانین محل زیست او آنرا مجاز بشمارد. در اکثر کشور های جهان دولت برای ایجاد و تأسیس پوهنتون ها معیارهایی وضع کرده و به منظور حفظ پرستیز خود و ارزش علم و دانش در جامعهٔ خود وهم در جامعهٔ بین المللی، این معیارها را جداً تطبیق و کنترول می کند. در امریکا زاید از ۵۰۰ پوهنتون رسمی وجود دارد، اما در حدود ۸۰ پوهنتون آن شهرت و مقبولیت بین المللی دارد. اینجا پوهنتون هایی هم وجود دارند که (کمپوس – ساحهٔ) معین و مشخص نداشته در هر محل دو سه نمایندگی دارند، پول نقد می گیرند و از راه تلفون تدریس می کنند و در ظرف ششماه دیپلوم ماستری می دهند. یکی ازین پوهنتون ها (فینکس) نام دارد که در مدت ده سال گذشته زاید از ۲۰۰ نفر افغان مربوط به احزاب جنگسالار ها بدون داشتن دیپلوم بکلوریا ازین موسسهٔ دیپلوم ماستری گرفته و در افغانستان برتبه های بلند مقرر شده اند، یکی از آنجمله آقای برنا کریمی مربوط حزب (وحدت)، سفیر افغانستان در کانادا می باشد.

اولین موسسهٔ اکادمیک در افغالنستان فاکولته طب می باشد که توسط اعلحضرت محمد نادر شاه در املاک شخصی او درعلی آباد تأسیس گردید و پادشاه موصوف که شخص جهان دیده بود نام آنرا (فاکولته) گذاشت، نه پوهنتون، و در پهلوی آن شفاخانهٔ (علی آباد) را نیز تعمیر کرد. دومین موسسهٔ اکادمیک (فاکولتهٔ ادبیات) بود که در یک حویلی کوچک در شهر کابل تأسیس گردید، سومین موسسهٔ اکادمیک (فاکولتهٔ حقوق) بود که در حویلی مرحوم غلام نبی خان چرخی در مجاورت مسجد شاه دو شمشیره تأسیس شد. عمارت پوهنتون کابل بعداً درعلی آباد به کمک امریکا ساخته شد و مؤسسه ای بنام تعلیم و تربیه به آن ضمیمه گردید که حدود هشت نفر دانشمندان افغان در آنجا برای تألیف و ترجمهٔ آثار علمی کار می کردند، بعداً همین مؤسسه به کمک مالی امریکا بنام پوهنځی تعلیم و تربیه انکشاف کرد و برای پذیرفتن فارغان مکاتب آماده گردید. دپارتمانت انگلیسی بار اول درین پوهنځی تأسیس شد، هدف آن تربیهٔ معلم در رشتهٔ تدریس زبان انگلیسی بود، شعبات تعلیم و تربیه، ساینس و علوم اجتماعی هم داشت،

افغان جرمن آنلاین تاسو په درنښت همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له راالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ

استادان امریکایی مضامین مختلف تدریس می کردند و نصاب درسی آنرا نیز امریکایی ها بمشورهٔ افغان ها ساختند، بعداً که محصلات شامل پوهنتون شدند، دپارتمانت (تدبیر منزل) نیز تأسیس شد. رویهٔ رفته پوهنځی تعلیم و تربیه بعد از مراحل انکشافی شش دپارتمانت داشت: دپارتمنت انگلیسی برای تربیهٔ معلم انگیسی، دپارتمنت دوم انگلیسی برای تربیهٔ سکرتر و بیزنس، دپارتمنت علوم اجتماعی (تاریخ و جغرافیه)، دپارتمنت ساینس، دپارتمانت تدبیر منزل، دپارتمنانت پیداگوژی و سیکالوجی. درهمینوقت پوهنځی انجنیری هم توسط امریکاییها در پوهنتون کابل تأسیس گردید.
در آنوقت مؤسسه (دارالمعلمین) نیز وجود داشت که بسویهٔ صنف ۱٤معلم تربیه میکرد و بعد از تأسیس پوهنځی تعلیم و تربیه موافقه بعمل آمد که فارغان دارالمعلیمن میتواند برای دریافت دیپلوم لیسانس شامل صنف سوم پوهنځی تعلیم و تربیه شوند. از دههٔ ۱۹٤۰ ببعد پوهنځی های زراعت، انجنیری، اقتصاد، شرعیات و غیره نیز در کدر پوهنتون کابل یکی بعد دیگر ایجاد شده بود.
پوهنتون کابل در مرکز و پایتخت افغانستان بحیث اولین و یگانه موسسهٔ اکادمیک در مدت پنجاه سال بعد از تأسیس خود بحیث یک پوهنتون با پرستیژ و شهرت نیک اکادمیک، بحیث پوهنتون افغانستان در دنیا شناخته شد، و نصاب درسی و دیپلوم آن در مؤسسات اکادمیک دنیا به رسمیت شناخته می شد- داکتران طب فارغ از فاکولتهٔ طب افغانستان در اروپا و امریکا بعد از امتحان موفقانهٔ معیاری، شامل مسلک طبابت شده اند – محصلی را که صنف دوم پوهنځی ادبیات کابل را تمام کرده بود در ایران به صنف چهارم می پذیرفتند – فارغان پوهنځی تعلیم و تربیه راساً در امریکا به پروگرام ماستری شامل شده و ده ها تن در امریکا داکتری گرفته اند. اما آیا در حال حاضر دیپلوم لیسانسهٔ پوهنتون تعلیم و تربیه یا داکتر پوهنتون طب کابل را در اروپا و امریکا قبول میکنند ؟ از تأسیس انستیتوت طب و بعداً پوهنتون طب تا امروز نشنیده ام که یک داکتر فارغ ازین مؤسسات در دنیای خارج پذیرفته شده باشد، برخلاف استادان امریکایی از پوهنتون معروف (لومالیندا - کلفورنیا) که با پوهنځی طب کابل توامیت داشتند در همین ده سال گذشته در کنفرانس هایی که من حاضر بودم، گفتند که :"" در فاکولته طب کابل قصاب تربیه می شود، نه داکتر. . ."" آیا شما باور دارید که لیسانسه ها و داکتران طب دورهٔ شاهی پوهنتون کابل (پوهنتون افغالنستان) با لیسانسه ها و داکتران امروزی درعین سویه قرار دارند ؟ آیا شما خبردارید که جنگسالار شهرانی وقتی معاون رئیس جمهور بود دو صد شاگرد سمت شمال را که سویهٔ صنف هشتم یا نهم داشتند باساس فرمان شامل انستیتوت طب کابل ساخته بود و آنها اکنون بحیث داکتر کار می کنند ؟
عرض کردم که پوهنتون کابل پوهنتون افغانستان بود، اما رقابت سیاسی بین روسیهٔ کمونیستی و امریکا در افغانستان به بدبختی اکادمیک انجامید. روسها به منظور رقابت با فاکولتهٔ مجهز انجنیری که توسط امریکایی ها تمویل می شد، از نفوذ امریکا در پوهنتون کابل – خصوصاً که با استادان و فارغان فاکولته های تعلیم و تربیه و انجنیری بورس فراوان به امریکا داده می شد - در سطح سیاسی گله کردند. از آنجائیکه دولت افغانستان اعزام محصلین در شقوق اجتماعی را به روسیهٔ شوروی اجازه نمی داد، روس ها به فکر اعمار یک (تخنیکم) افتادند و مؤسسهٔ پولیتخنیک فعلی را تعمیر کردند که ابتدا در چوکات فاکولتهٔ انجنیری بحیث یک انستیتوت قرار داشت. استادان شوروی زبان روسی را در آنجا تدریس می کردند و زبان انگلیسی نیز تدریس می شد. در ظرف چند سال در اثر تشویق و همکاری احزاب خلق و پرچم تعداد محصلین این مؤسسه تزئید یافت و یکتعداد از فارغان آن برای بار اول به شوروی اعزام شدند. تعداد محصلین کمونیست درین مؤسسه زیاد شد و اولین عکس العمل شان به تشویق روسها این بود که تدریس زبان انگلیسی لغو و هم پولیتخنیک مستقل شود. مظاهرات زیاد توسط محصلین این مؤسسه در شهر کابل براه انداخته می شد. دولت پوهاند میر امان الدین انصاری سابق رئیس فاکولتهٔ ادبیات و یکتن از استادان مجرب و موسپید پوهنتون (تحصیلیافتهٔ امریکا) را بحیث رئیس پولیتخنیک مقرر کرد. موافقه شد که موسسهٔ پولیتخنیک از چوکات فاکولتهٔ انجنیری برون شود، زیرا در پوهنځی انجنیری امریکایی ها تدریس می کردند و روس ها مراقبت علمی استادان انجنیری را از پولیتخنیک خوش نداشتند. اما پولیتخنیک جزء پوهنتون کابل باقی ماند و تدریس زبان انگلیسی هم مانند سابق دوام کرد. دوسه سال دیگر نیز پولیتخنیک در کدر پوهنتون کابل باقی ماند، اما در اثر مداخلات روز افزون روس ها بالاخره دولت مجبور شد پولیتخنیک را مستقل بسازد و این اشتباه بزرگ بود، زیرا روس ها از طریق پولیتخنیک در جامعه بیشتر نفوذ کردند، حتی یک (تخنیکم) دیگر در مزار شریف تأسیس نمودند. بعد از آن هر رئیسی که در پولیتخنیک مقرر می شد تحت نفوذ روس ها قرار می گرفت.
کسانیکه با معیار های علم تعلیم و تربیه و ترتیب نصاب درسی آشنایی دارند می دانند که تضاعف (دیوپلیکیشن) چیست، متأسفانه بنا بر ملاحظات سیاسی و رقابت بین روس و امریکا تضاعف در سیستم تعلیم و تربیهٔ افغانستان رخنه کرد، ورنه پولیتخنیک بایست جزء فاکولتهٔ انجنیری باقی می ماند، هکذا در حالیکه پوهنځی تعلیم و تربیه در پوهنتون کابل وجود داشت، وزارت معارف نیز یک مؤسسهٔ تربیه معلم تأسیس کرد. پوهنتون کابل تا سال اخیر جمهوریت محمد داودخان که وزار ت تحصیلات عالی تأسیس گردید، جزء وزارت معارف بود. تأسیس وزارت تحصیلات عالی در آوانیکه افغانستان هنوز یک پوهنتون داشت، از لحاظ ا نسجام نصاب درسی بین سویه های

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

مکتب و پوهنتون مشکلاتی را ایجاد کرد که تا امروز دامنگیر است، اما صحبت بیشتر درین موضوع درین مقال گنجایش ندارد. از جانب دیگر، در حال حاضر وزیران معارف و تحصیلات عالی هر دو اشخاص غیر مسلکی و سیاسی می باشند.
پوهنتون جلال آباد روی یک ضرورت سیاسی ایجاد گردید. مناسبات حکومت ما با پاکستان مثل همیشه خراب بود، و از رفتن مریضان پشتون در سمت مشرقی برای تداوی بپاکستان جلوگیری نمی توانست. صدراعظم محمد داوود خان تصمیم گرفت و امر کرد فاکولتهٔ طب در جلال آباد تأسیس گردد بطوریکه استادان و محصلین تنها بزبان پشتو تدریس و تحصیل کنند. صدراعظم به فکر اینکه اگر نام فاکولته را پوهنتون بگذارد بیشتر مریض جلب می تواند و از رفتن مریضان افغان به پاکستان جلوگیری می شود، چنین تصمیم گرفت و استادان و داکتران پشتو زبان به جلال آباد مقرر شدند. اما بتدریج و بمرور زمان پوهنځی های ادبیات (تنها زبان پشتو)، حقوق، اقتصاد، زراعت، ساینس و شرعیات نیز در آنجا ایجاد شد، پوهنځی طب و شفاخانه های مربوط به آن شهرت و محبوبیت خوب در منطقه پیدا کرده، این مؤسسهٔ اکادمیک برای ولایات مشرقی افغانستان (ننگرهار، کنرها، لغمان و نورستان)، یک پوهنتون مفید و غنیمت بشمار می رود. محصلین از ولایت خوست و از سایر نقاط پشتونستان نیز در آنجا جذب شده اند. در بعضی جاها ضرورت تأسیس پوهنځی تعلیم و تربیه دیده نمی شود و ضروری نیست که هر پوهنتون یک پوهنځی تعلیم و تربیه داشته باشد.
درینجا باز رخ صحبت بطرف (تضاعف – دیوپلیکیشن) می رود که برادران پنجشیری به اساس زور و قدرت سیاسی که بحمایت امریکا بدست آوردند، اول ولسوالی پنجشیر را بولایت ارتقا داده و در مرحلهٔ بعدی در پنجشیر نیز یک پوهنتون ایجاد کردند، در حالیکه این پوهنتون بایست در شهر (چاریکار) مرکز ولایت پروان ایجاد می شد که با پنجشیر یکساعت راه فاصله دارد و محصلین از ولایت کاپیسا (تگاب و نجراب) و پنجشیر به سهولت می توانستند در لیلیهٔ پوهنتون پروان شامل و تحصیل کنند. برای یک مملکت کم بضاعت که استادان کافی و وسایل کافی برای تجهیز پوهنتونها در هر شهر ندارد، باید از تقلید و تضاعف جلوگیری شود. باید یک کمیسیون متشکل از علمای کشور بشمول اشخاصیکه تعلیم و تربیه و (ترتیب نصاب درسی) خوانده باشند، تأسیس شود تا بادرنظرداشت ساحهٔ نفوس، تقسیمات اراضی (تشکیلات ملکی) وامکانات مواصلاتی، تصمیم بگیرند که درکدام ولایات پوهنتون تأسیس گردد وچه نوع پوهنځی ها درآن شامل باشد. مثلا در ولایات شمال و غرب افغانستان، در پهلوی فاکولته های ادبیات، علوم اجتماعی، ساینس و کامپیوتر، پوهنځی زراعت مفیدیت بیشتر میداشته باشد.

در دورهٔ اشغال شوروی، روس ها تهداب علمی پوهنتون کابل را تخریب کردند، پوهنځی تعلیم و تربیه را مرکز تبلیغات امریکا تاپه زده لغو کردند، یک تعداد استادان و محصلان مسلمان از همه پوهنځی ها را کشتند، تعداد دیگر را توقیف و شکنجه و بسیاری را برطرف نمودند، تعدادی هم موفق به فرار از کشور شدند. استادان پایان رتبه و خشره را که همه پرعقده و کمونیست بودند، به چوکی های اکادمیک نشاندند، بجای ایدیالوژی اسلامی ایدیالوژی کمونیستی تدریس می شد و تعداد زیاد جوانان کمونیست برای دو آتشه شدن به شوروی اعزام شدند. مشاور روسی برایمن یک کتابچهٔ مطبوع بزبان فارسی به قلم ستالین را با ۵۰ کاپی آن داد و سفارش کرد که بحیث مضمون زبانشناسی تدریس کنم – ستالین زبانشاس نبود و از علم وسیع زبانشاسی به اصطلاح "بوی نمی برد"، ولی از زاویه تئوری های دیالکتیک بمنظور غلام ساختن جمهوری های متعدد شوروی که زبان های مختلف داشتند، یک کتابچه پیرامون اهمیت سیاسی زبان در اتحادیهٔ کثیرالملتی شوروی نوشته بود که روس ها آنرا نسخهٔ شاهکار دانسته بالاتر از بایبل تقدیس می کردند. آثار نویسندگان روسی که به فارسی ترجمه شده بود به پوهنځی ها توزیع گردید. خلاصه کشور تحت اشغال بود و روس ها هرچه می خواستند می کردند:

کشور تحت اشغال استقلال ندارد ****** زعیم تحت اشغال استدلال ندارد

در دورهٔ سلطنت تنظیم های پشاوری پوهنتون غریب ترشد، زیرا استادان خشرهٔ کمونیستی اکثر به روسیه و اروپا فرار کردند، درین دوره قرار مسموع ملا نماها بیشتر به پوهنتون بحیث استاد رو آوردند. در دورهٔ حکمرانی خوجه ئین ربانی یک تصویب جمعیت العلمای افغانستان نشر شد که مکتب های دخترانه را ""فاحشه خانه"" خوانده بودند. این سند که شامل سیاه ترین تصویب در تاریخ تعلیم و تربیه افغانستان می باشد، بعد از سال ۱۹۹٤چند بار در مجلهٔ آئینهٔ افغانستان نشر شده، همه افغان ها آنرا خوانده و خبر دارند. بموجب این تصویب مکتب های دخترانه و مؤسسهٔ نسوان در دورهٔ ربانی کاملا بستهٔ بود
(چونکهٔ من در کامپیوتر هنوز خوب بلد نیستم و نتوانستم تصویب جمعیت العلمای دورهٔ ربانی را در اینجا ضمیمهٔ سازم، همان ورق مجله را بطور مستقل علیحده نشر میکنم.)
محترمه داکتر لمر که در نوشتهٔ قبلی شان در بارهٔ مسمی ساختن پوهنتون تعلیم و تربیه بنام خوجه ئین ربانی اظهار نظر نکرده اند، با مطلع گردیدن از تصویب جمعیت العلمای دورهٔ خوجه ئین ربانی و موقف شخص خوجه ئین ربانی در بارهٔ تعلیم و تربیهٔ نسوان مملکت، اکنون بحیث یک زن تحصیل یافتهٔ خوبتر می توانند. در زمینه حالا بر

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په خیر و لولئ

می گردیم به مؤسسات اکادمیک، چونکه من در تلخیص فوق پیرامون سرگذشت بدبختی افغانستان به ارتباط زایل ساختن حیثیت اکادمیک پوهنتون کابل از سه مرجع اکادمیک نام گرفته ام :

۱) فاکولته (پوهنځی): موسسهٔ اکادمیک است بداخل کدر یک پوهنتون وهر پوهنتون بتناسب شهرت علمی و توان مالی خود تا ۲۰ پوهنځی و بیشتر داشته میتواند. در زبانهای لاتین استادان شامل کدرعلمی یک پوهنځی را نیز (فاکولته - کدر علمی) میخوانند.

۲) انستیتوت: در جهان غرب (اروپا و امریکا) هر فاکولته (پوهنځی) یک یا چند انستیتوت داشته می تواند که تحت اثر و مراقبت مستقیم رئیس پوهنځی اداره و توسط کدرعلمی عین فاکولته تدریس می شود. انستیتوت های مربوط بیک پوهنځی تا صنف ١٤تدریس میکنند، فارغان انستیتوت اگرخواسته باشند لیسانس بگیرند بصنف سوم فاکولته شامل میشوند ویا به مؤسسات ملکی شامل کار شده چند سال بعد بفاکولته دوباره شامل میگردند. مثلا در سابق پوهنځی زراعت یک (انستیتوت قره قل) داشت، نمیدانم حالا هم وجود دارد یا خیر؟ اگر یک پوهنځی در ده رشتهٔ مختلف انستیتوت داشته باشد، بازهم جزء پوهنتون میباشد. بعضی اوقات ریاست پوهنتون یکتعداد انستیتوت ها را تحت ادارهٔ مستقیم خود قرارداده میتواند، ولی ارتباط اکادمیک آن با پوهنځی مربوطه میباشد. در اتحاد شوروی سابق انستیتوت ها بیشتر هدف سیاسی و کارگری داشتند تا اکادمیک، نمیدانم اکنون تغییر کرده اند یا خیر؟ بطور عمومی سیستم تعلیم و تربیهٔ شوروی با کشورهای اروپای غربی فرق داشت.

۳) دپارتمنت: کوچکترین مؤسسهٔ اکادمیک است بداخل یک پوهنځی. مثلاً در پوهنځی ادبیات وعلوم بشری٤٠ سال قبل دپارتمنت های ذیل وجود داشت:

-- زبان و ادبیات پشت
-- زبان و ادبیات دری
-- تاریخ – جغرافیه
-- ژورنالیزم
-- هنرهای زیبا
-- زبان و ادبیات انگلیسی
-- زبان و ادبیات فرانسوی
-- زبان و ادبیات جرمنی
-- زبان و ادبیات روسی
-- زبان و ادبیات عربی

روسها دپارتمنت زبان و ادبیات هسپانوی را نیز توسط استادان کیوبایی تأسیس کردند. در رأس هر دپارتمنت یک پوهاند ذیصلاح قرار داشت. در دورهٔ اشغال شوروی، سیستم اکادمیک شوروی در پوهنتون کابل تطبیق می شد، هر استاد کمونیست به کمک و مشورهٔ مشاور روسی برای خود یک پوهنځی مستقل تأسیس می کرد، مثلا :
از دپارتمنت جغرافیه (پوهنځی زمین شناسی) ساختند -
دپارتمنت هنرهای زیبا را به پوهنځی ارتقا دادند و در رأس آن یک جوان بچه کمونیست قرار گرفت –
از دپارتمنت تاریخ پوهنځی علوم اجتماعی ساختند که در آن تاریخ کمونیزم، دیالکتیک، نظریات لینن و سایر کمونیستان تدریس می شد- یک پوهنځی (کارگری) هم تأسیس شد و آن عده اعضای حزب خلق و پرچم که مکتب نخوانده بودند ازین پوهنځی در ظرف ششماه فارغ می شدند – پوهنځی های دیگر نیز به نام های مختلف به منظور مغز شویی و تربیه و تولید کمونیست ایجاد کردند.
بعد از لغو پوهنځی تعلیم و تربیه توسط شوروی ها، اکثر دپارتمنت های آن به پوهنځی ادبیات داده شد و برای دپارتمنت های زبان که بایست یک پوهنځی مستقل زبانشناسی تأسیس می گردید، چنانکه در امریکا و اروپا رایج است، روس ها از نام (زبانشاسی) بسیار بد می بردند و آنرا مخلوق امریکا می دانستند، بهمین ملحوظ علم زبانشاسی تا امروز هم در کشور روسیه چندان انکشاف نکرده است، و در حالیکه در افغانستان اکنون پوهنځی تعلیم و تربیه را بطور شوقی و بیلزوم به (پوهنتون تعلیم و تربیه) ارتقا دادند، هنوزهم در پوهنتون کابل یک پوهنځی (زبانشناسی) تأسیس نگردیده است. یک دلیل اینکه بالای زبان های افغانستان تحقیقات علمی صورت نگرفته همانا فقدان پوهنځی زبانشناسی می باشد.
همشیره (لمرجان) ایزاد علم و تکنالوژی (کامپوتر ساینس) را به پوهنځی تعلیم و تربیه، دلیل ارتقای آن به پوهنتون دانسته است. بخدمت همشیره بعرض می رسانم که در امریکا و اروپا کامپیوتر بحیث یک مضمون در دورهٔ ابتدایی لیسه ها و در همه پوهنځی ها در تحت صلاحیت یک دپارتمنت تدریس می شود و از طریق همان دپارتمنت ماستری و داکتری هم گرفته شده می تواند. البته انستیتوت های مستقل برای کامپیوتر ساینس نیز وجود

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

دارد، لهذا بهتر می بود که مضمون کامپیوتر ساینس را به یک دپارتمنت یا یک انستیتوت بداخل پوهنځی محول می کردند. اینکه می فرمایند در پوهنتون جدیدالتأسیس تعلیم و تربیه ۲۰ پوهنځی وجود دارد، ایکاش نام این پوهنځی هارا می گرفتند تا من (تضاعف – دیوپلیکیشن) را نشان می دادم که حتماً بوجود آمده است، و اینکه تصور شود پوهنتون جدیدالتأسیس تعلیم و تربیه با داشتن زاید از ۲۰ پوهنځی (شاید اکثر آنها پوهنځی علوم اجتماعی)، احتیاجات مملکت را تکافو می کند، حدس من اینست که یکتعداد نو به قدرت رسیده ها، مانند کمونیست ها در دورهٔ کمونیستی و اشغال، بجر کردن و تأسیس پوهنځی های مستقل برای خودشان متشبث شده خواهند بود!؟ می شنوم که چند پوهنځی مستقل علوم اجتماعی بنام های مختلف در پوهنتون نو تأسیس ایجاد شده، حدس من اینست که شاید یکعده کمونیستهای سابق که بعداً به جمعیت خوجه ئین شامل شدند، به تقلید از روش اکادمیک شوروی سابق، این پوهنځی ها را ایجاد کرده خواهند بود. پوهنځی ها باید به تناسب احتیاج مملکت تأسیس شوند، نه به منظور تولید نفاق و تجزیه طلبی.

اینکه محترمه داکتر لمر تأسیس پوهنتون های خارجی (امریکایی، ترکی وغیره) را در افغانستان بقسم استدلال برای تأسیس پوهنتون تعلیم و تربیه بکار می برند، پایه های استدلال شانرا چوبین می بینم، زیرا پوهنتون های خارجی با تطبیق اهداف خاص آن کشورها و باداشتن نصاب درسی مطابق بمیل و معیار های خود شان تأسیس می شوند و جوان افغان را نیمه خارجی و نیمه افغان بجامعهٔ متشنج افغان تقدیم می کنند!!!

محترمه خانم لمر جانباز در برون ساختن پوهنځی تعلیم و تربیه از چوکات پوهنتون کابل (پوهنتون افغانستان) که من آنرا "بینی بریدگی" خوانده ام، پای "منطق" را درمیان آورده است – تکراراً عرض می کنم که هرگاه در یک پوهنتون مادر یک پوهنځی تعلیم و تربیه (با سوابقی که درین مقال ذکرشده) وجود داشته باشد، و آنرا شاخ و برگ بی لزوم داده از چوکات پوهنتون مادر جدا سازند، این طرزالعمل از زاویهٔ معیارهای اکادمیک کمال بینی بریدگی تلقی می شود، اما در پوهنتونی که هنوز پوهنځی تعلیم و تربیه ندارد، بینی بریدگی متوجه نمی شود، زیرا شاید دلیلی از قبیل تضاعف یا مقتضیات منطقوی در بین باشد، مثلا در پوهنتون ننگرهار تا امروز لزوم ایزاد پوهنځی تعلیم و تربیه احساس نشده، شاید در پوهنتون های نو تأسیس هرات و مزارشریف نیز چنین ضرورت احساس نشود و اگر احساس شود فورا تأسیس می کنند و مانعی ندارد. پیرامون اشارات دیگر این همشیره به ارتباط پوهنځی انجنیری و ارتباط آن به پولیتخنیک و انستیتوت، توضیحات کافی و مستند در بالا ارائه شده که امید قناعت شا نرا فراهم ساخته باشد. جای خوشی و امیدواری است که محترمه خانم لمر جباری مسمی ساختن پوهنتون جدید را بنام (خوجه ئین ربانی) "" یک تصمیم بی لزوم سیاسی و بسیار غیرعادلانه" خوانده است.

نکتهٔ مهم برای ایزاد یا تقلیل یک پوهنځی در کدر یک پوهنتون ضرورت اکادمیک بتناسب نیازمندی های اجتماعی-اقتصادی یک مملکت است که تثبیت آن باید توسط یک شورای علمی صورت بگیرد، نه توسط فرمان یک مقام سیاسی ! و هم نه باساس مظاهرات سیاسی محصلین ! مثلا در ولایت باستانی هرات کشت و تولید زعفران بطور مناسب انکشاف کرده است، حالا اگر یک پوهنځی زراعت در هرات باشد، لازم نیست که پوهنځی زراعت پوهنتون هرات را به پوهنتون زراعت ارتقا بدهند، بلکه سهلتر و اقتصادی تراست که در پوهنځی زراعت هرات یک دپارتمنت (انکشاف زعفران) ایجاد شود. هکذا بسیار ضروری و مفید اقتصاد مملکت است که در ولایت بامیان یا منطقهٔ بهسود یک پوهنتون یا انستیتوت تأسیس شود شامل پوهنځی یا دپارتمنت زراعت برای انکشاف صنعت چرمگری و صنعت تولید روغن حیوانی، و هم پوهنځی یا دپارتمنت (سنگ شناسی و استخراج معادن و سنگتراشی) – هکذا در پوهنځی زراعت پوهنتون کابل باید یک دپارتمنت (لبنیات) تأسیس شود، زیرا اکثریت مردم بیچارهٔ کابل مزهٔ شیر را نچشیده اند.

بخدمت همشیره های محترمه و سایر هموطنان علاقمند بانکشاف مؤسسات اکادمیک درمملکت به عرض می رسانم که من ملتفت و مستشعرم که نفوس شهر کابل ٤٠ سال قبل بیک ملیون نمی رسید وحالا پنج یا شش برابر بالارفته و نیازمندی به مؤسسات اکادمیک نیز اگر شش چند بالا نرفته باشد، دو یا سه چند حتما بالا رفته است، و بهمین تناسب باید پیشبین تزئید مؤسسات اکادمیک بود. عرض و هدف من بحیث یک طالب العلم اینست که این نوع سنجش ها باید توسط یک کمیسیون ذیصلاح علمی صورت بگیرد، نه توسط مؤسسات سیاسی یا مظاهرات و اهداف سیاسی.

به نظر من باید یک پوهنتون جدید در شهر کابل مشتمل بر پوهنځی های موسیقی و هنرهای زیبا تأسیس گردد و بنام (احمد ظاهر شهید) مسمی شود. هریک از دو پوهنځی مذکور گنجایش چندین شعبه را دارد، از قبیل مجسمه سازی، رسامی، قالین باقی و غیره. در رشتهٔ مجسمه سازی استاد حیدرزاد شهرت جهانی دارد و او مؤسس دپارتمنت هنرهای زیبا بود، شخص بهتر و مستحق تری برای ریاست این پوهنتون وجود ندارد. استاد حفیظ الله خیال خوبترین موسیقی شناس افغان است، باید در پوهنځی موسیقی استخدام شود.

در مملکتی مانند افغانستان باید برای سایر محصولات دستی بشمول بوت دوزی، نجاری، خیاطی و گلکاری مؤسسات تربیتی تأسیس گردد تا مهارت ها و ماشین آلاتیکه در کشور های پیشرفته ایجاد شده، به آنها آموخته شود.

از دو همشیرهٔ محترمه که با طرح سوالاتی زمینهٔ این توضیحات را فراهم ساختند، کمال امتنان دارم و تشکرات خود را تقدیم میکنم . با عرض احترام

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادښت: دلیکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولـئ